

دنباله توطئه جدید رژیم ...

گاه حوادث در کنایه های خود گوئی پوزخند تمسخر میزنند. کافی است حادثه ها را کنار هم قرار دهیم تا مشت دروغگوها حرفه ای و میر غضب هائی که بایبشمرمی سنگ مردم را به سینه میزنند باز شود. کارگران شریف ایران و همه مردم در بند آزاده و آگاه که ۲۴ سال است سرنیزه کودتاگران را زیر گلولی خود احساس میکنند، هنوز خاطره قتل عام کارگران زحمتکش جهان چیت را توسط ژاندارمهای شاه فراموش نکردند. آدمکشان شاه درست در همین کاروانسرا سنگی که شاهد وقایع اخیر بود مسلسلها را پسوی صغوف آرام کارگران آتش کردند و از خون پاک آنها شقایق های سوزان و داغداری را روی خاکهای جاده کرج و در واقع در قلب طبقه کارگران ایران ریختند. و حالا همان قاتلان بی آرم ادهام میکنند که کارگران ایران به حمایت از جلا د خود با خواهران و برادران و فرزندان خویش در آویخته اند و آنها را به خاک و خون کشید هاند. زهی وقاحت!

کمدی نویسان ساواک و ساواک زدگان روزنامه نویس هرگز قادر نبودند مضحک تر و شاخدارتر از این افسانه ها خلق کنند. رژیمی که دستپایش تا مرقع به خون شهدای کارگر آغشته است، کارگران زحمتکش و مبارز این خونی ترین دشمن بساط تنگین خود را بر سر یازان و فدائیان جان به کف خویش معرفی میکند. رژیمی که تظاهرات حق جویانه هزاران کارگر ریسند و شاهی را با گلوله جواب میدهد، اعتصاب کارگران چیت تهران را در جاده آراگاه در خون غرق میسازد، اجتماع اعتراضی کارگران کوره پزخانه ها را به گلوله میبندد، با هر نوع حرکت و مقاومت کارگری با بارت و زندان و اخراج های دسته جمعی مقابله میکند، اینک در نهایت سفاکت میخواهد در انتظار، قربانیان خود را تکیه گاه خود بنامد. اما مردم ما این دسیسه ها را میشناسند. کارگران مبارز آگاه ایران که میزان نزدیکی و الفت رژیم شاه - ساواک را بخود در آئین نامه انضباطی خشن و ضد کارگری اخیر و چماق حاضر و آماده او که در هر حرکت حق طلبانه با آن روبرویند، بخوبی تشخیص داد هاند و به این دوستی به اصطلاح خاله خراسانه به این الفت چندش آور که داستان محبت گرگ به گوسفندان را بیاد میآورد، با اعتراضات صنفی و سیاسی جنبشهای اعتراضی و تظاهرات مخالفت آمیزی که هر روز اوج و شدت و دامنه فزونی مییابد و وحشت و سراسیمگی و تزلزل رژیم را عمیق تر میکند، پاسخ میگویند.

توطئه کاروانسراسنگی حادثه بیسابقه ای نبود. یک روز پیش از این صحنه سازی پلید، گرازهای شاه بالباس مبدل و با همان شیوه آشنا، به استادان، دانشجویان و انبوه مردمی که برای شنیدن برنامه سخنرانی یکی از اعضای کانون نویسندگان ایران به دانشگاه آریامهر آمده بودند حمله بردند. استادان دانشگاه را کتک زدند، دانشجویان را با زنجیر و پنجه بکس و چوب و چماق و چاقو به خاک و خون کشیدند و مردمان را تارومار کردند. این بار رژیم مدعی بود که این ارواح خبیثه که انگاری از جهنم برآمده بودند تا فرمان ابلیس را اجرا کنند، اعضای حزب رستاخیز هستند. شاید چنین باشد. در حزب دیرباری همز چاقو کشان حرفهای و امپاشان دهان گشاد و شعبان بی مخهای رنگ و وارنگ، تحفه دیگری نیست.

شیوه ترور و ارباب تازه ایداع رژیم در سفر شاه به آمریکا نیز مورد استفاده قرار گرفت و چهار هزار تن از گروهیان و رنجرها و گارد های ارتش و شهریان ساواک با لباس مبدل توسط ۹ جت بوئینگ به واشنگتن منتقل شدند تا اجتماع دانشجویان وطن پرست ایرانی را که به افشای سیمای دژخیم خلقهای ایران برخاسته بودند، بهم بریزند. اما کوس این رسوائی نیز در جریان و وسایل ارتباط

جمعی اروپا و آمریکا زده شد و جهانیان پرده دیگری از ریا و فریب دلفکی را که در جاده جنایت به دروازه های تعدن بزرگی رسیده، در یافتند.

دارو دسته ای که تمامی نیروهای حکومتی را برای تقلب و نیرنگ و قلب حقایق بکار میگیرد و بر چماق و دشنه اوپاشان و پست فطرتان مزدور تکیه میکند، با این سیاست راهزنانه هم هراس خود را از آگاهی توده ها به کنه امور و واقعیات نشان میدهد و هم بی ثباتی پایه ها و ضعف و تزلزل درونی خود را در برابر حتی یک نسیم کوچک که از فراز یک اجتماع چند صد نفری میگذرد. مویائی در برابر هوای آزاد تلاشی میشود. برای رژیم اختناق شاه هر اندیشه آزاد، هر طبع مخالف بردگی، هر احساس وطن پرستی، هر جلوه حقیقت و حقانیت، هر مردائی که از حلقوم بیش از دو نفر خارج شود، هر نوع اعتراض یا تظاهر جمعی، بمشابه هوای تازه ای است که جسم پوسیده و کرم خورده و فاسد آنرا تهدید میکند. و شگفتا که این بوزینگان غاصب حکومت شریفترین و صدیق ترین میهن پرستان را بنام قانون و نظم و وطن که خود سلاخ واقعی آن هستند، به سیاه چالها میسپارند، به جوخه های اعدام میبندند، در کوچه ها و خیابانها قتل عام میکنند، در محکمه های درسته و شکنجه گاههای مخوف زیرزمینی زیر پا شنه میگویند و آنگاه کسه دستشان از همه این وسایل سباحت کوتاه شد، با برچسب وطن فروشی هو می کنند.

اما کیست که خائن و فرومایه واقعی را نشناسد. او همان شیریری است که برای جلب رضایت و حمایت ارباب و اشنگین نشین خود نفت مارا میبخشد، نه با کمترین مشورتی حتی با مجلس فرمایشی و غلامان و چاکران کمر بسته ای که احاطه اش کرده اند، بلکه سر خود و مستبدانه. و به این چاکری امپریالیسم جهان خوار مباحث میکند و یاد درگسو میاندازد که برای همدردی با غرب - غرب امپریالیست - حاضر است سیاست نفتی پخما گرانه آمریکا را در اوپاک اعمال کند و اگر لازم افتد اوپاک را از هم بپاشد. خائن آن تاجدار تهی منز و دارودسته، ایران برپاده دهی است که ۲۴ هزار مستشار نظامی و هزاران کارشناس و جاسوس آمریکائی را با افسانه های ترین حقوق و مزایا به ایران آورده و عملا ایران را به اشغال پنهان و ویرانگر امپریالیسم سپرد هاست. خائن آن افعی های زهر آگینی هستند که کشاورزی مارا به پیروی از سیاست اقتصادی سلطه جوی یانکی ها و صیهونیست ها و سرمایه داران و سیاست بازان غرب به ورشکستگی کامل سوق داده اند و در روی گنجهای طلای سیاه و مس و اورانیوم و زغال سنگ و دیگر معادن و نعمات سرشار و بیشمار، سی و پنج میلیون گرسنه و نیمه گرسنه، بیخانمان، دهان بسته و رنج دیده، بر جای نهاده اند. آنها که فقر و ذکرشان افزودن بر تعداد زندان هاست، اما در دانشگاهها را میبندند، آن گانگسترهای بین المللی که سرخ بزرگترین شبکه های قاچاق مواد مخدر و قمارخانه ها و کازینوهای ایران و جهان بنوعی به سرانگشت های آنان پیوسته است، آنها که با صیهونیسم و امپریالیسم علیه خلقهای کشورهای دیگر دسیسه میچینند و برای حراست منافع امپریالیسم باخون جوانان ما و ثروتهای ملی ما خلق آزاد بخواه ظقار را در خون غرق میسازند، آنها که بهترین فرصتهای تاریخی را با غارت دلارهای نفتی و حیف و میل و حاتم بخشی آن به هدر داده اند و با با خرید خروارها آهن پاره و تانک و توپ و هواپیما و رادار و سیستمهای جاسوسی الکترونیک که هیچ ضرورتی برای منافع ملی ما ندارد، به جیبهای گشاد امپریالیسم ریخته اند، آنها که مجلس و مشروطه و قانون را به خیمه شب بازی استبداد بدل کرده اند و آزادی و اندیشه و قلم را در خاکستر و باروت دفن کرده اند. آری، خائن واقعی راهمه میشناسند، اگر چه تمام دستگاههای تبلیغاتی جهان امپریالیسم و همه قلم

به مزد ها و رجا له ها و مقاطعه گران داخلی بخوانند سیمای کریه اورا بزرگ کنند و بسیا رایند. اما در جهان که بر اثر بهم خوردن موازنه قدیمی قدرت و پیشروی طلایه داران صلح و عدالت و آزادی و سوسیالیسم، خا امپریالیستهای یک تار دیروز به خفقان افتاد هاند - عروسکهای پوشالی و لعینگان آنها دور نمائی ندارند.

جنایت کاروانسراسنگی و فجایع اخیر رژیم درد انشگاهها رقم تازه ای بر شمار شهدای راه آزادی و استقلال ایران افزوده است، آخرین شگرد ها و تشنجات جنون آمیز عکس العملهای عصبی و بیمارگونه آریامهری است. آن لحظه ای که رژیم با ابزارهای کهنه خود قادر به ادامه حکومت نباشد و حکومت شودگان ادامه این وضع ناهنج و خیانت بار و ضد مردمی را فعلا نه نخواهند، به سرعه فرامیرسد. گراز تیر خورده می خواهد و نامود کند که چو تار سالیان دوزخی اقتدار خود برار یک قدرت جبروتی نشسته و کنترل اوضاع را در دست دارد. اما حقیقت جز این است. سداستیداد و خود کامگی ترک خورده و رژیم در برابر امواج پیاپی و اوج گیر تظاهرات و اعتراضات و مقاومتها مبارزات صنف ها و گروهها و قشرها و طبقات مختلف مله بخود میلرزد. در این شرایط حساس و خطیر، برای سا کردن بختی که بروی میهن ما افتاده و هر تحول و پیشرفت و بهبود و رونق ملی و میهنی در گرو محو آنست، تنها یا راه و فقط یک راه در برابر توده ها و مبارزان وجود دارد. اتحاد همه نیروهای مخالف استبداد در یک جبهه واحد همه گیر ضد دیکتاتوری.

تعام شرایط ضروری و عینی چنین اتحادی میباشد: عناصر وطن دوست و آزاد بخواه باید بادرک همه مسئولیت خود برای ایجاد این جبهه واحد و طرد هرگونه کارشکنی، نفاق افکنی و بهانه جوییهای زبانیخشا حرم و حوزه آن با تمام نیرو بگویند. چنین اتحاد - سرفنظر از اختلاف نظرهای مسلکی، عقیدتی، سیاسی مذهبی و برداشتهای متفاوت، تنها بر محور اشتراک مساعی برای واژگونی دارو دسته دیکتاتوری میتواند شک بگیرد، تاتار شود و سازمان بیابد. جز تشکل در یکا جبهه سیاسی گسترده که از حمایت فعال و انرژی و تم و قدرات پراکنده کلیه نیروها و عناصر ملی و میهنی بطر یکجا برخوردار باشد. برانداختن دارو دسته ای چنین قدر، حیل و قوسی که از همه امکانات حکومتی و سازما - های پلیسی و سیاسی و نظامی وسیع و حمایت بیدری امپریالیسم جهانی بهره مند است، همسر نیست. درک کذ این واقعیت و پاسخ علی به آن کلید پیروزی ماست.

پیش بسوی جبهه ضد دیکتاتوری

برنامه حزب توده ایران،
حزب طبقه کارگر ایران،
تنها حزب مدافع واقعی
منافع تمام زحمتکشان ایران را
با دقت مطالعه کنید، بهر وسیله
مطمئن شوید که برایتان میسر است،
به پخش آن یاری رسانید.

دنیاله اتحاد - مبارزه - پیروزی

به ایران تحمیل شده بود، و از این مهمتر، حرکات اعتراضی و جنبش‌های روزافزون طبقه کارگر ایران که گام به گام چهرهٔ عسائی و سیاسی آن در آهنگ بی‌وقفه و اوج گیرنده‌ای واضحتر میشود، همه و همه از بحران همه‌جانبه‌ای که گریبانگیر رژیم ستمگرو خودکام شاه شده و فصل تازه‌ای که در مبارزات مردم ما با جباران و تاراجگران وطن آغاز گردیده، حکایت میکنند. اما حوادث اخیر آغاز مرحلهٔ تازه‌ای از گسترش بی‌سابقهٔ این تظاهرات و حرکات توده‌ای بود که در آن بیش از ۲۰ هزار نفر از قشرهای مختلف مردم و در پیشاپیش آنان دانشجویان آزادخواه، شرکت داشتند. حادثه در غروب سه شنبه ۲۴ آبان ماه با یک جرعهٔ کوچک از دانشگاه صنعتی (در خیابان آیزنها - ور) آغاز شد. نیمی از جمعیتی که آنروز برای شرکت در مراسم سخنرانی یکی از اعضای کانون نویسندگان با دعوت قبلی به دانشگاه صنعتی آمده بودند، بسا درهای بسته روبرو شدند و وقتی که به این روش غیر اخلاقی و ضد فرهنگی مسئولان دانشگاه که بی‌شک به دستور ساواک و ناشی از وحشت رژیم از هرگونه تجمع مردم بود، اعتراض کردند، با یورش ناگهانی و وحشیانه گارد دانشگاه مواجه گردیدند. آری، رژیمی که جز سرنیزه زبان دیگری برای سخن گفتن نعیاند، حتی در محیط علم و فرهنگ نیز جز باین صدای متعفن و ناپسند حرف بزند. اما این بار مردم به این صدای هرزه و وحشی با مشت‌گره‌کردن‌های که از هزاران دست تشکیل شده بود، پاسخ گفتند. در حدود دو سه هزار نفر از دعوت‌شدگان به سخنرانی که در میان آنان از همهٔ قشرهای اجتماعی به ویژه دانشجویان و مدارس عالی کشور بودند، به عنوان واکنش و مقابله در برابر توهین گماشتگان رژیم شروع به تظاهرات کردند و در ظرف چند دقیقه، در سراسر خیابان آیزنها از نزدیکی میدان شهید تا حدود دانشکدهٔ دامپزشکی - شعارهای میهنی و ضد رژیم محلات اطراف را به لرزه درآورد:

— جلا د ننگ باد... مرگ براین حکومت فاشیستی... زحمتکش بداند، شاه شما جلا د است... اتحاد، مبارزه، پیروزی...

و اولین مهاجمان پلیس با هجوم جمعیت خشمگین که جز مشت‌های گره‌کرده و قلیه‌های سوزان خود سلاخی نداشتند، تارو مار شدند. به دنبال آن کامیونها و مینی‌بوس‌ها و اتوبوس‌های لبریز از گارد‌های پلیس یکی پس از دیگری سر رسیدند و ضرب و شتم خشن و دستگیری جمعیت مشتاقی که برای شرکت در یک برنامه فرهنگی دعوت شده بود، آغاز شد. وقتی خبر این یورش وقیحانه به پنج هزار جمعیتی که در داخل سالن ورزشی دانشگاه صنعتی برای شنیدن سخنرانی اجتماع کرده بودند رسید، برنامه سخنرانی تعطیل شد و جمعیت یکپارچه به خشم آمده، بیتاب و راسخ اعلام کرد:

تا هنگامیکه کلیهٔ دستگیر شدگان آزاد نشوند و این اقدام موهن رژیم تروریست و ضد فرهنگ پوشش خواهی نشود، جمعیت به عنوان اعتراض در سالن دانشگاه صنعتی متحمن خواهد ماند. و اعتصاب سته جمعی ادامه خواهد یافت.

نیمه‌های شب پدران و مادران و خواه‌مران و برادران نگران و مضطرب که برای آگاهی از علت غیبت عزیزان خود مقابل دانشگاه صنعتی جمع شده بودند، به دستور یکی از رؤسای گارد شهرنایسی

به داخل دانشگاه رانده شدند تا به دستور جناب سرهنگ! فرزندان متحمن خود راز دانشگاه خارج کنند و به خانه بپرند. اما پدران و مادران وقتی با فرزندان خود روبرو شدند و در آغوش جمعیت پنج هزار نفری غوطه خوردند و اشک‌هایشان با سر انگشت پسران و دختران قهرمانشان پاک شد، تصمیم خود را برای پیوستن به اعتصاب کنندگان اعلام داشتند و به این ترتیب تحصن اعتراضی با حضور خانواده‌ها رنگ دیگری بخود گرفت. نمایندگان دانشگاه‌های مختلف، کارگران، کارمندان، فرهنگیان و قشرهای دیگر که در سالن سخنرانی حضور داشتند در میان ابراز احساسات شدید حاضران یکی پس از دیگری پشت‌تربون رفتند و به نمایندگی از صف دانشکده، کارگاه، و همکاران خود همبستگی با خواستهای حق اعتصاب کنندگان را اعلام داشتند. این درحالی بود که اعلامیه‌های مختلف دست‌نویس تصمیمات و توضیح‌های گروه‌های مختلف حاضر در سالن را به اطلاع همگان میرساند و چون ورق‌های زر در انضباطی حیرت‌انگیز و سازمان یافته دست به دست میگشت و ترانه‌های ملی و انقلابی خلق‌های ساکن ایران فضای رفیقانهٔ سالن را گرمی و حرارت بیشتری میداد.

این اجتماع گرسنه، خسته، منتظر، اما با عزم، یکپارچه و همدل، غرقه در صفا و شکوه پیوند یک شبانه روز به اعتصاب خود ادامه داد تا سرانجام با تعهد و قول و تأکید رئیس دانشگاه برای آزادی دستگیر شدگان و انتشار قطعنامه‌ای از دانشگاه خارج شد. در این قطعنامه تصریح شده بود که اگر تا روز یکشنبه ۲۹ آبان‌ماه، که قرار است مجلس سخنرانی با حضور دوباره جمع برگزار شود، خواستهای اعتصاب کنندگان و در رأس همه، آزادی بازداشت‌شدگان، علی‌نشد، اعتصاب عمومی تمام دانشگاه‌ها و بسیاری از واحدهای اجتماعی سراسر کشور را فرا خواهد گرفت. این میثاق ادامه مبارزه بود.

در شب تحصن ۵ هزار نفری دانشگاه صنعتی، در تهران حکومت نظامی برقرار بود. به دنبال نبرد مردم و دانشگاهیان با پلیس مهاجم که طی آن شیشه‌های چند بانک و تأسیسات ایران ناسیونال و سیتروئن و پپسی‌کولا و... شکست، آرامشی موقت برقرار شد. اما از فردای شب حکومت نظامی ایسن آرامش با تظاهرات گروه‌های پراکنده و کوچک و بزرگ در گوشه و کنار شهر (و بیشتر در خیابانهای آذر یا -بیجان، نواب، آیزنهاور، امیرآباد و شاهرضا) فراموش شد. هجوم میرغیب‌ها به دانشگاه بهانه‌ای بود تا مردم خشم و انزجار خود را از رژیمی که چون بختک به روی وطن ما افتاده و هرصدای شریفی را با گلوله و زندان و جوشه‌های اعدام خاموش میکند، ابراز دارند. تظاهرات خیابانی در بعضی نقاط آنقدر وسیع و علنی بود که در خیابان اسکندری و دروازه دولت و چند نقطه دیگر کار به تیراندازی کشید و عده‌ای کشته و زخمی شدند. اما خون شهدا شعله‌ها را سرکش‌تر میکند. تهران در چند روز گذشته شاهد شکوفه کردن عزم مردم و شکفتن گل‌های تازه‌ای بود. دست‌ها از درون دانشگاه‌ها و کارخانه‌ها - بسوی هم دراز میشوند. ضرورت وحدت همه نیروهای مخالف رژیم استبدادی به اشکال گوناگون خود را به مبارزان و توده‌ها نشان میدهد. حقانیت شعار روز حزب توده ایران که همه نیروهای مخالف رژیم دیکتاتوری شاه را صرف‌نظر از اختلافات عقیدتی و مسلکی، به اتحاد عمل برای سرنگونی سفاکترین و وطن‌فروش‌ترین رژیم تاریخ دعوت میکند، پیش از پیش آشکار میشود. مبارزان شریف و خلق‌های

بجان آمده با تمام وجود خود اهمیت حیاتی احیای هرچه گسترده‌تر سازمانهای سراسری حزب توده ایران و دیگر سازمانهای صنفی و سیاسی میهنی و ملی را که تنها کلید گشودن دروازهٔ پیروزی ملت ماست، احساس میکنند. ملت ما با نیروی بیشتر و ارادهٔ مستحکمتری از میان تجربیات تلخ و خونین و بر رنج خود که طی سالهای حکومت فاشیستی و روزهای نکت و خفقان و تاراج و زورگویی و عوامفریبی اندوخته، برمیخیزد. روزهای اخیر ما را به هم نزدیکتر کرد. در روزهای آینده این نزدیکی باید به پیوند‌های فشرده تری بینجامد. همزمانی تظاهرات گسترده و پرشور دانشگاهی و خیابانی تهران با تظاهرات افشاگرانه بیش از ده هزار میهن پرست و دانشجوی ایرانی در آمریکا به هنگام ورود شاه تصادفی نیست. اتحاد و پیوند حتی از ورای صد هزاران کیلومتر راه ضرورت مبرم خود را نشان میدهد. در این روزهای حساس که رژیم ضحاک معاصر در لجنزار فساد و ورشکستگی فرو میرود و در بن بست ناشی از سیاستهای ایران برپا داده و ضد خلقی سرگردان است، تنها ضربه اساسی را مشت محکم خلقی ما که از پیوند تمام دست‌ها نیرو میگردد، میتواند فرود آورد. بگذارد این شعار نغمه در روزهای اخیر در خیابانها و کوچه‌های تهران طنین الهام بخشی داشت، تحقق یابد:

— اتحاد... مبارزه... پیروزی.

ماضن محکوم کردن اقدامات فاشیستی اخیر رژیم ضد خلقی و ضد ملی شاه، آزادی بی‌قید و شرط کلیهٔ دستگیر شدگان و برچیدن فوری نظامیان و کوماندوهای پلیس را از اطراف دانشگاه‌های محاصره شده و کوچه‌ها و خیابانها مبرانه خواستاریم و از کارگران و زحمتکشان و دیگر میهن پرستان دعوت میکنیم که با تمام نیرو به پشتیبانی فعال از خواستهای جوانان و دانشجویان میهن پرست و آزادخواه برخیزند و با شرکت در تظاهرات آنان، این تظاهرات را به مشت متحد و نیرومند خلق مبدل سازند.

حزب توده ایران

با کمکهای مالی به پیشرفت مبارزه حزب توده ایران

یاری رسانید!

با گسترش مبارزه در ایران احتیاج سازمان مرکزی حزب به کمک مالی هرروز بیشتر میشود. در شرایط اختناق سیاه ساواکی و بیگدرهای پلیسی رساندن متکثیر و بخش نشریات حزب در ایران، ایجاد امکانات چاپ در ایران، کمک به مبارزان و خانواده‌های رفقای زندانی مستلزم هزینه روزافزونی است. کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه دوستان، همراهان و رفقای حزبی میخواهد که با کمکهای مالی به سازمان مرکزی حزب، به پیشرفت کار در ایران یاری رسانند. کمکهای مالی خود را به یکی از دو حساب بانکی زیر ارسال دارید و یا مستقیماً به مرکز حزب بفرستید. در صورت اول با نامهای با امضای مستعار ارسال پول را بمرکز حزب اطلاع دهید.

رسید کمکها در مجله دنیا به نام مستعار و یا شمارهای که هر فرستنده خود خواهد گردید اعلام خواهد شد.

1- Dr. John Takman
Sweden - Stockholm
Stockholms Sparbank
No. 040012650

2- Dr. Maria Albertini
DDR - Berlin
Deutsche Aussenhandelsbank
No. 9608 - 3131 - 0010

ما اقدام تجاوزگرانه رژیم استبدادی شاه را علیه آزادی و استقلال حبشه محکوم میکنیم!

اعتراضیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

هموطنان عزیز،

هرروز که میگذرد، پرده از روی توطئه جدید رژیم استبدادی ایران و امپریالیسم، علیه خلقها برداشته میشود.

در ایام اخیر، به ویژه پس از بازگشت شاه از سفر واشنگتن، بار دیگر رژیم استبدادی دست به اقدام مداخله جویانه و تجاوزگرانه تازه ای، در جهت حفظ منافع امپریالیسم و ارتجاع بین المللی زده است، بدین معنی که تصمیم گرفته است، با استفاده از دالان هوایی که عربستان سعودی در اختیارش قرار میدهد، به مقدار زیاد اسلحه سنگین برای دولت سومالی بفرستد تا این دولت از آن برای مقاصد تجاوزگرانه خود علیه حبشه استفاده کند.

چنانکه میدانیم مدتی است سومالی، با نقض مصونیت مرزها و تمامیت ارضی حبشه، علیه این کشور دست به

تجاوزی آشکار زده و بخشی از اراضی آنرا اشغال کرده است. اقدام رژیم برای ارسال سلاح به سومالی، در جهت اجراء توطئه امپریالیسم آمریکا است که درصدد سرکوب جنبش انقلابی و رژیم خلقی در حبشه است. این اقدام در جهت ایجاد یک قانون نوین تشنج در منطقه موسوم به "شاخ آفریقا" است. این اقدام رژیم نمودار دیگری از آن سیاست ضد صلح و تشنج فزاینده است که به همراه تجاوزکارترین محافل امپریالیستی انجام میگیرد و نه تنها به زیان خلق حبشه، بلکه به زیان خلقهای ایران و سومالی و علیه منافع جنبش رهایی بخش خلقهای آفریقا است.

ما به اقدام تازه تجاوزگرانه و مداخله جویانه رژیم علیه استقلال و آزادی حبشه به شدت اعتراض میکنیم. این اقدام، پس از مداخله در عمان و علیه جنبش رهایی بخش مردم ظفار گام دیگری است که رژیم، به عنوان زاندارم امپریالیستی، در جهت سرکوب جنبش دمکراتیک و ملی

خلقها بر میدارد.

روشن است که این سیاست ضد ملی و تجاوزکارانه رژیم، با سیاست ضد دمکراتیک وی که در این روزها متوجه سرکوب خشن مبارزات آزاد یخواهانه و به حق مردم ایران است، پیوندی درونی و سرشتی دارد؛ کسیکه به خلق خود ستم روا میدارد، همین رفتار را در باره خلقهای دیگر خواهد داشت و برعکس.

مردم آزاده ایران که هرگز چنین اقدامات تبعیض کارانه ای را مجاز نمیشمرند، باید بانگ رسای خود را علیه این توطئه تازه رژیم و امپریالیسم آمریکا، علیه مردم دلاور حبشه که با جانبازی در راه نیل به استقلال واقع و دمکراسی حقیقی بیابراخته اند، بلندکنند و نشان دهند که خواست مردم ایران درست نقطه مقابل سیاست مرتجعانه رژیم استبدادی است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذرماه ۱۳۵۶

دنباله اظهاریه هیئت اجرائیه

مأموران شاه با تأیید و همکاری مستشاران و کارشناسان امنیتی آمریکا با حماق، پنجه یکس، کابل و رنجبیر بر هزاران دانشجو، معلم، دانش آموز، کارگران و دیگران که میخواستند برای شنیدن یک سخنرانی ادبی و هنری در دانشگاه صنعتی گرد آیند حمله بردند و دست به جنایاتی زدند که در دنیای امروز جز بربریت نام دیگری بر آن نمیتوان نهاد. در دانشگاهها، خیابانها،

میدانها و بازارها چندین روز متوالی مأموران رژیم دیکتاتوری تظاهرات عادلانه و قانونی هزاران دانشجو، معلم، نویسنده، هنرمند، دانشیار، شخصیت سیاسی، کارگر، روحانی و کارمند را که به اعتراف ویلیام برانینگن، (خبرنگار "انترنا -

یشنل هرالد تریبون" که شاهد ماجرا بود، به آرامی در خیابانها حضور یافته و میخواستند به آرامی متفرق شوند، بارها مورد حملات وحشیانه قرار دادند.

مأموران رژیم لحام گسیخته دیکتاتوری و چاقو کشان مزدور بدون اجازه و قرار مراجع ذیصلاح قانونی به عسف وارد خانه های مردم میشدند، به هرکسی میرسیدند به باد کتک و فحش میگرفتند، کتاب، لباس، دستگاه ضبط صوت و هر چیز دیگری را که در دست مردم میدیدند، به زور میگرفتند و در ملا عام به شیوه فاشیستی آتش میزدند و سر و دست میشکستند و به حد کشت افرازا میزدند. در این جریان صدها نفر بازداشت شدند و از جمله بازداشت شدگان نویسنده نام آور ایران محمود اعتماد زاده (به آذین) و فرزند ایشان است. طبق اطلاعات رسیده عده ای نیز به دست مأموران رژیم دیکتاتوری به قتل رسیده اند. مردم حق خواه و بی پناهی که در معرض حمله گرگان رژیم دیکتاتوری قرار گرفته بودند فریاد میکشیدند: "در ایران قانون وجود ندارد"، "دیگر نمیتوان خاموش نشست"، "مرگ برای حکومت فاشیستی!"

در روزهای پس از این حوادث از یکسو مبارزه مردم و از سوی دیگر وحشیگری دژخیمان چاقو کش رژیم گسترش تازه ای یافت، حمله شیخون مانند صدها گراز وحشی ساواکی و چاقو کشان شعبان بی مخ به هزار نفر مردمی که به مناسبت جشن عید قربان در نزدیکی داروانسرا سنگینی

گرد هم آمده بودند و صدها نفر را به سختی مضروب و مجروح ساختند، شیوه جدیدی است که رژیم برای مقابله با جنبش در حال رشد ضد دیکتاتوری در پیش گرفته است.

خیزش جدید جنبش ضد دیکتاتوری در ایران درد لهما شعله امید برافروخته و جنایات رژیم کین و نفرت همگانی را برانگیخته است. حزب توده ایران که سی و شش سال است از نخستین روز تأسیس خود، با ارتجاع و استبداد و امپریالیسم خونخوار دست به گریبانیت و در ایسن راه هزاران تن از بهترین اعضای خود را در میدانهای نبرد علیه رژیم ضد خلقی قربانی داده و متحمل سخت ترین مصائب و مشقات گردیده است، در این موقع که مبارزات عادلانه مردم ایران با تهاجم خونین رژیم مواجه شده و تنفر و اعتراض عیق خود را علیه اعمال بربرمنشانه و ضد قانونی رژیم دیکتاتوری اعلام میدارد، حزب توده ایران مبارزه آزاد یخواهانه مردم ایران، کلسیه احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای ملی و دمکراتیک را که

علیه رژیم مغفور دیکتاتوری و در راه احیای دموکراسی در کشور قد علم کرده اند، با تمام قوا تأیید مینماید و از خواستهای ملی و میهن پرستانه آنها در باره انحلال سازمان آدمکش امنیتی، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، انحلال مجلس فرمایشی، اجرای انتخابات آزاد، تأمین آزادی احزاب، اجتماعات، مطبوعات، قلم و بیان، احیای استقلال قضائی در ایران، تعقیب و مجازات متجاوزین به حقوق مردم و خائنین به استقلال ایران پشتیبانی میکند. حزب توده ایران دوش به دوش سایر نیروهای ملی و دمکراتیک ایران بر این عقیده است که برانداختن استبداد شاه و پایان دادن به شیوه ترور و اختناق، احیای حقوق و آزادیهای دموکراتیک مردم ایران و اعاده حیثیت اجتماعی جامعه کشور ما که به حقارت بارترین اهانت آمیز ترین طرزی لگد مال دیکتاتوری لحام گسیخته گردیده، نیاز حیاتی و میمنه ایران امروز است.

رویدادهای اخیر این امید را در دل میآفریند که تجارب تلخ دوران اسفباری که جنبش ملی و دمکراتیک ایران بر اثر تفرقه نیروهای میهن پرست کشور دچار سترونی غم انگیزی گردیده بود بالاخره مبارزان کشور ما را به یگانه راه پیروزی و کسب آزادی که راه اتحاد و همکاری خود آنهاست متوجه و هدایت نموده باشد. در نبرد هگا

اخیر که علیه رژیم دیکتاتوری انجام میگیرد، نمایندگان طبقات و اقشار مختلف، پیروان جهان بینی ها و اصول و اعتقادات گوناگون، افراد منسوب به همه خلقها، ایران زن و مرد، پیرو جوان، عالم و عامی در کنار هم و در یک سنگر ضد دیکتاتوری قرار دارند. آری فقط خود خلق و وحدت عظیم خلق است که میتواند و باید دوال پسا دیکتاتوری را از گردن مردم ایران پائین آورد. این تمایل به اتحاد و همکاری را یگانه پایه پیروزی قاطع مردم ایران بر غاصبین حقوق و متجاوزان به حیثیت ملی و اجتماعی کشور خود میدانیم و معتقدیم که تشکّل، توسعه و تحکیم این اتحاد و همکاری وظیفه ملی، میهنی هر ایرانی وطن پرستی است که میخواهد کشور خود را آزاد از زنجیر، در شاهراه استقلال و دمکراسی و ترقی و در صف کشورهای آزاد و سر بلند جهان ببیند.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی

حزب توده ایران

منتشر شد به مناسبت شصتمین سال انقلاب کبیر اکبر وای. لنین در باره نقش زن در اجتماع و تجربیات بدست آمده در اتحاد جماهیر شوروی در باره حل موضوع زن ترجمه مریم فیروز	منتشر شد داستان تاریخی فرهاد چهارم نوشته احسان طبری از انتشارات حزب توده ایران
منتشر شد جهان بینی ها و جنبشهای اجتماعی در ایران «کتاب دوم - جز دوم» جامعه ایران در دوران رضاشاه» از انتشارات حزب توده ایران	